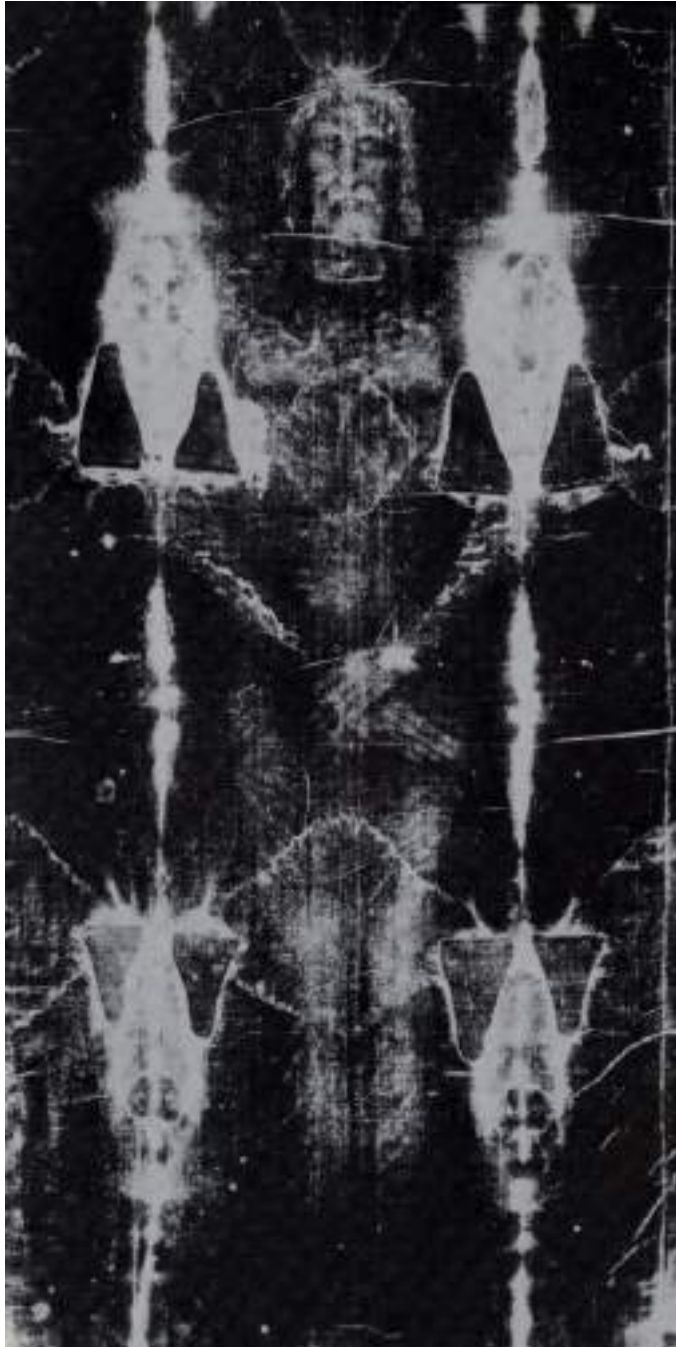
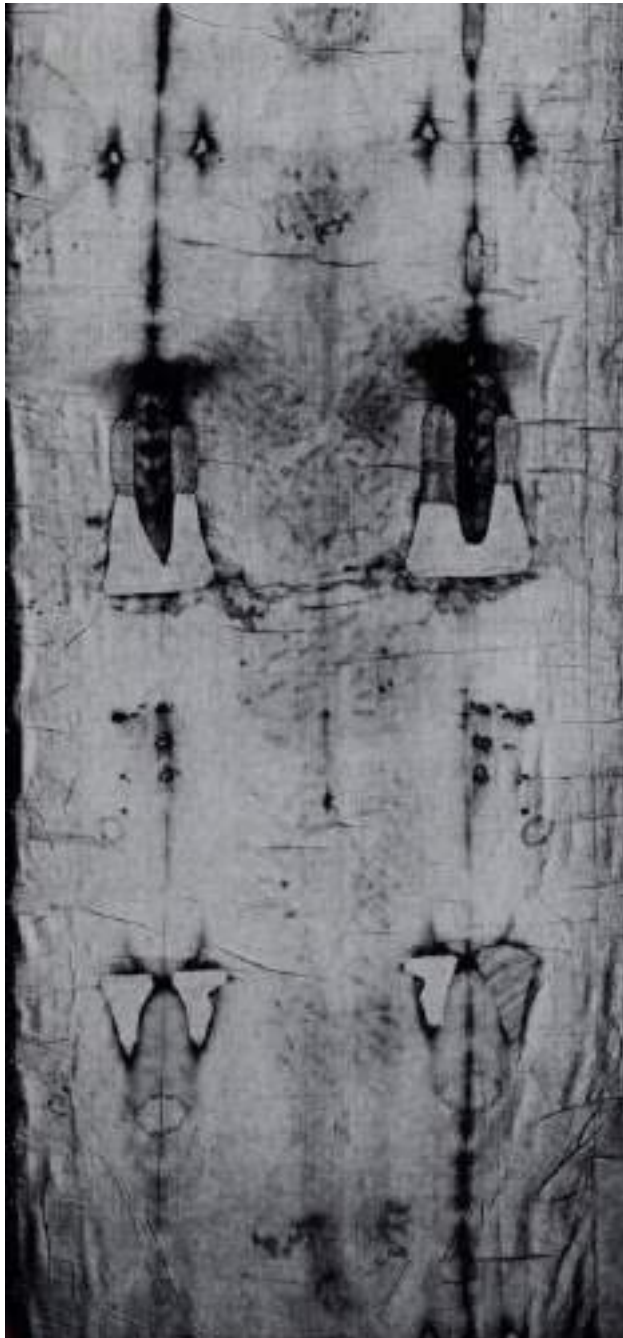


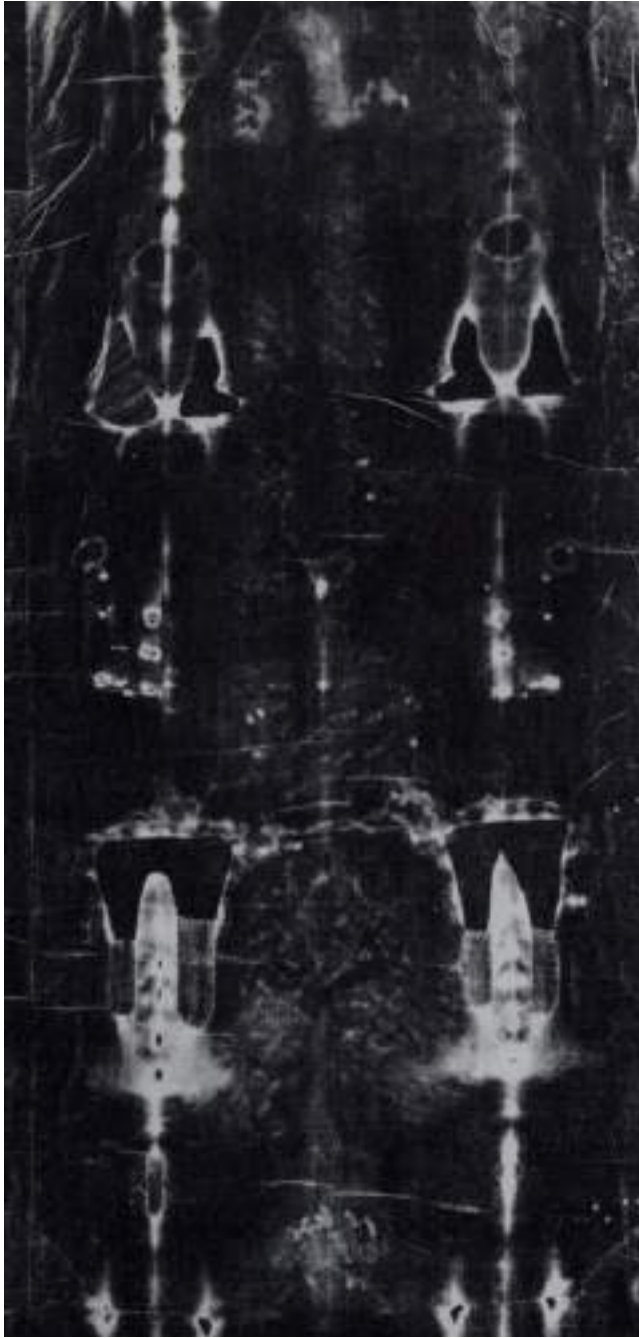
تصویر ۲- نیمه پیشین کفن
(تصویر عکاسی)



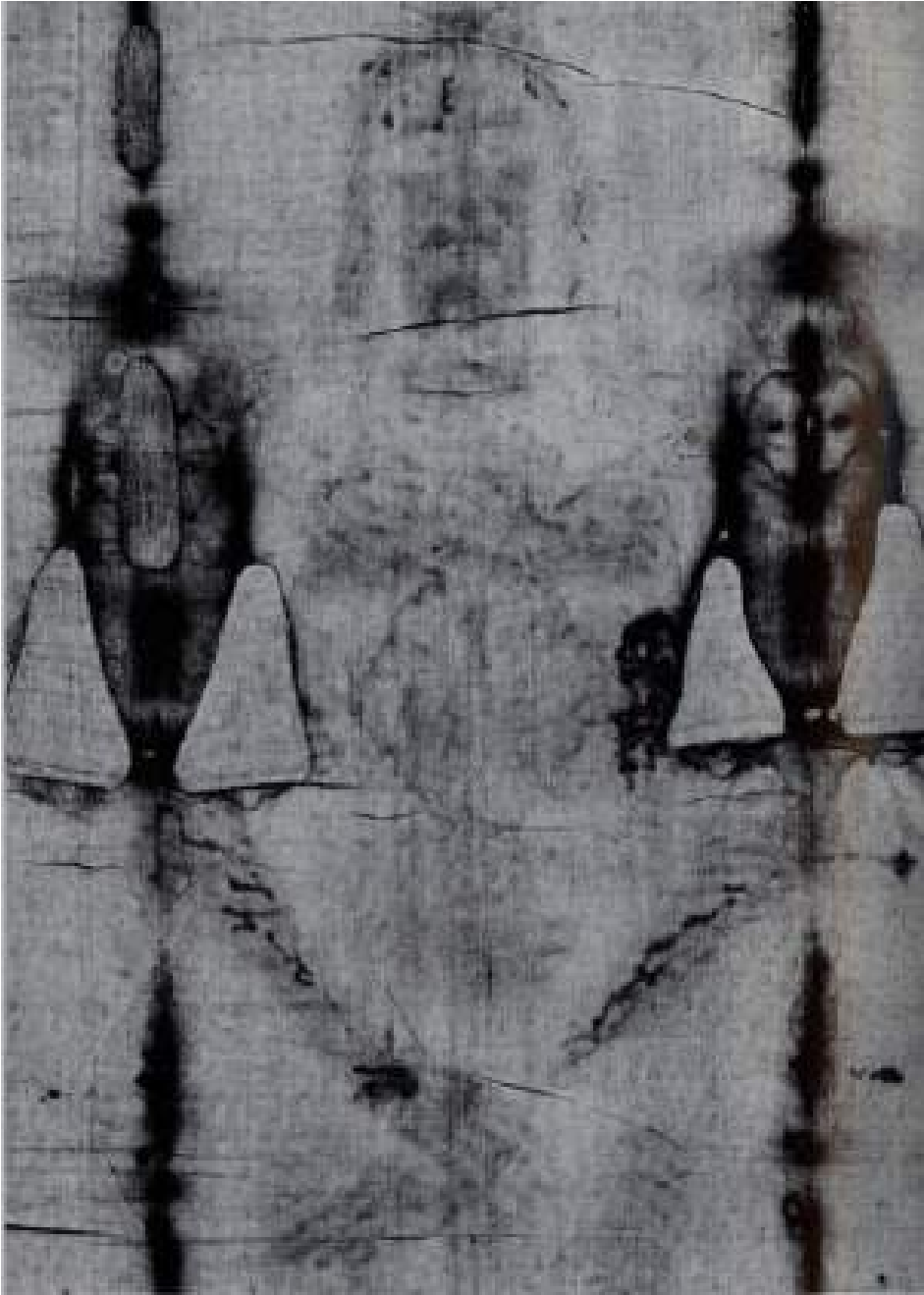
تصویر ۳- نیمه پیشین کفن
(نسخه ثانوی کلیشه)



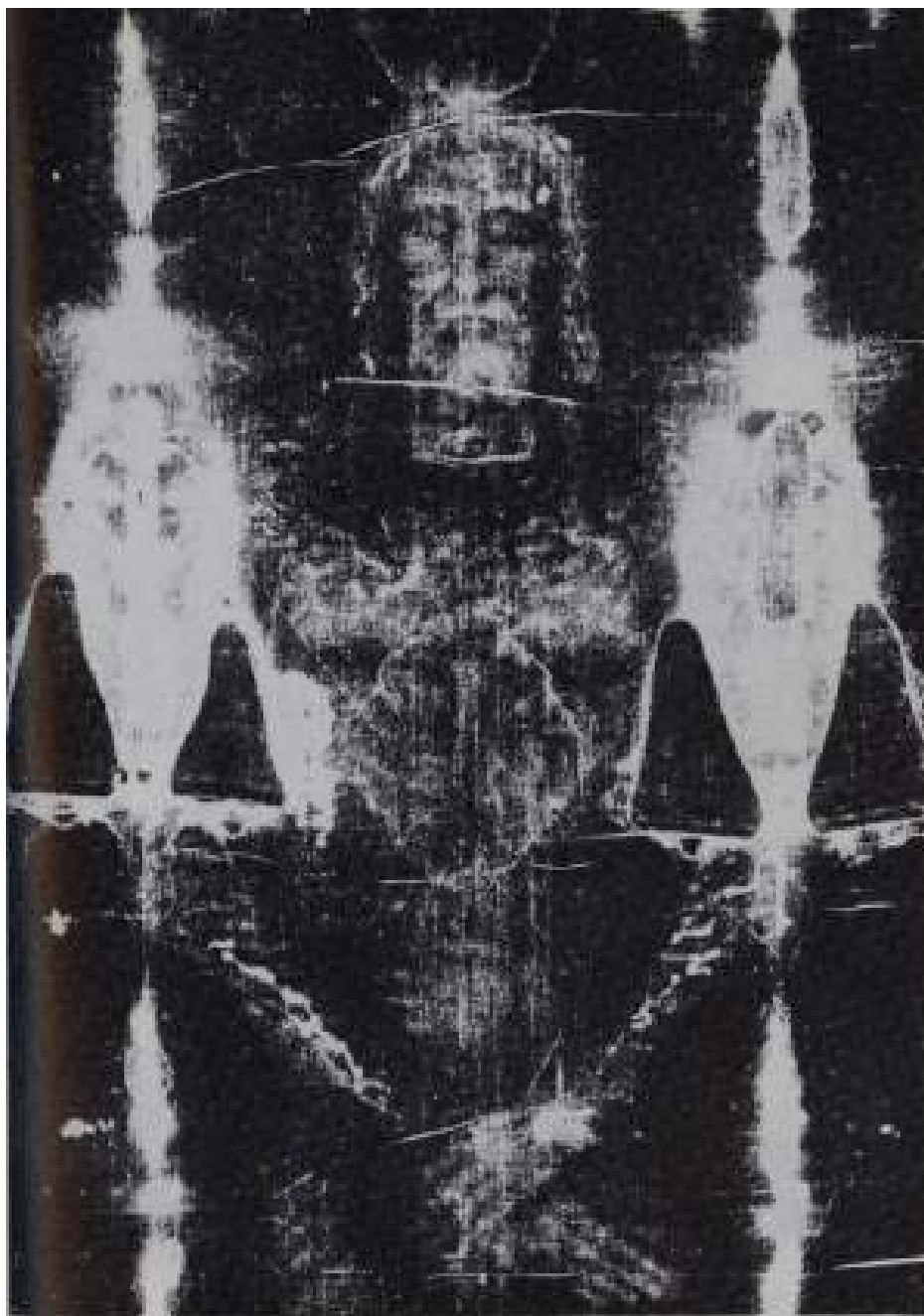
تصویر ۴- نیمهٔ پسین کفن
(تصویر عکاسی)



تصویر ۵- نیمهٔ پسین کفن
(نسخهٔ ثانوی کلیشه)



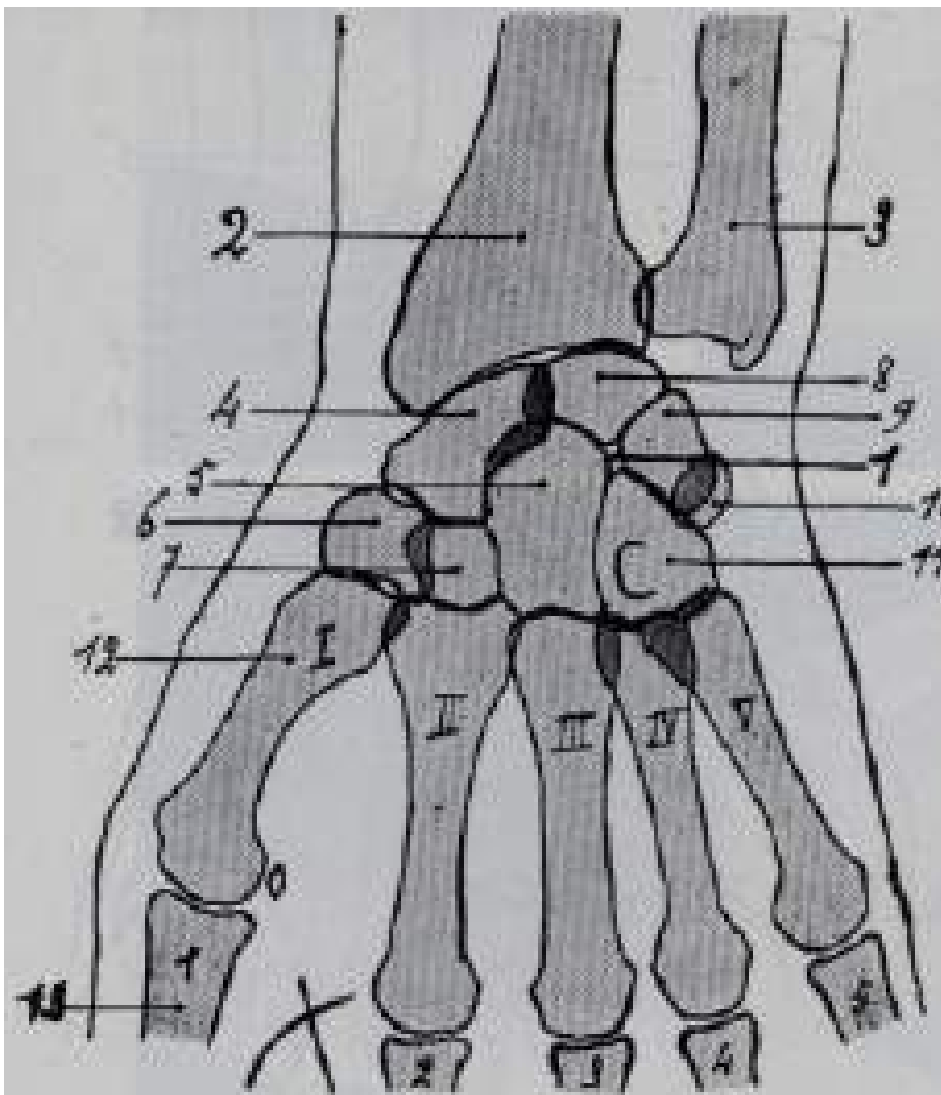
تصویر ۶- تصویر پیشین کفن، قسمت بالایی
(تصویر عکاسی)



تصویر ۷- تصویر پیشین کفن، قسمت بالایی
(نسخه ثانوی کلیشه)

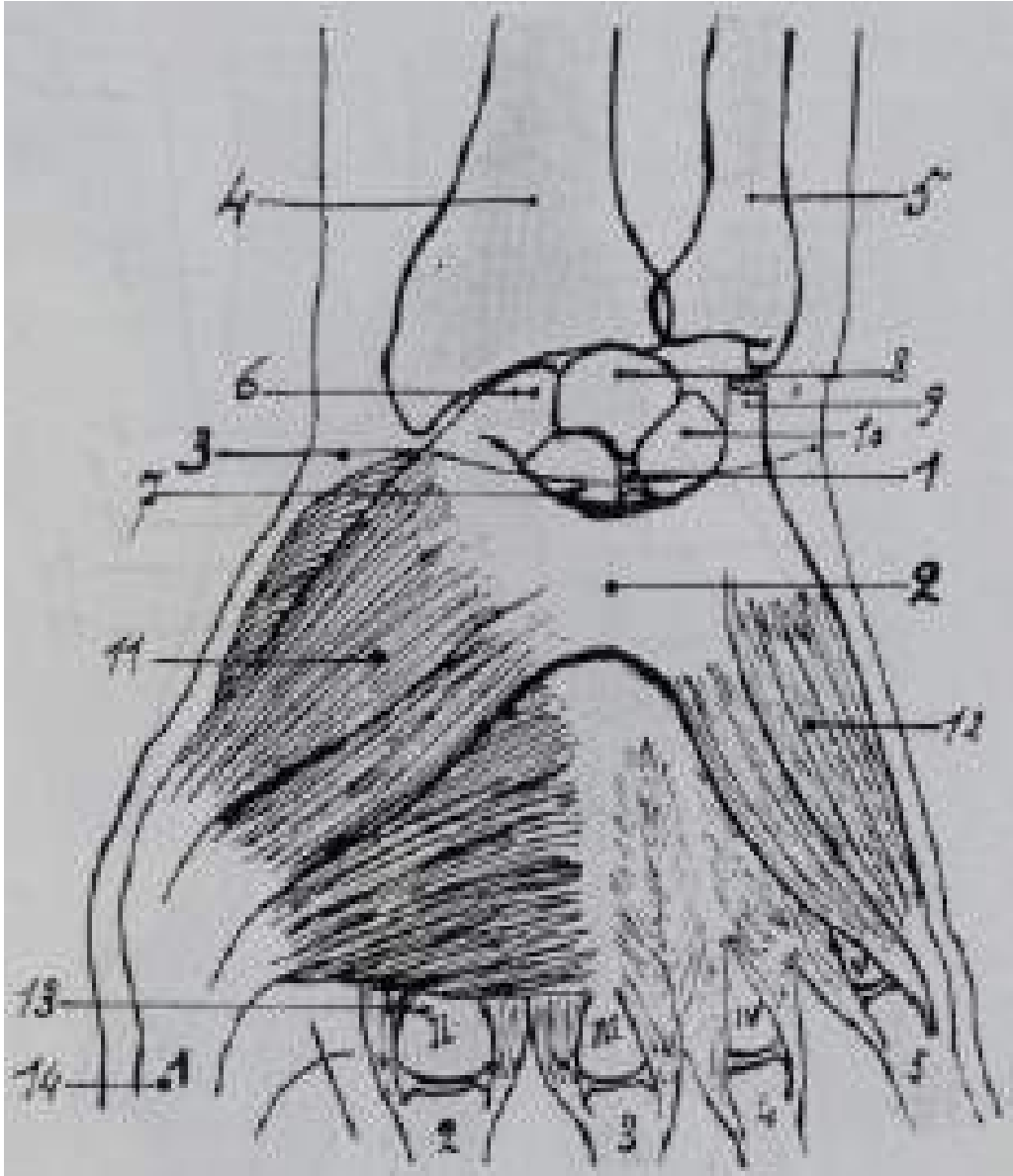


تصویر ۸ - دستهای کفن
(تصویر عکاسی)



تصویر ۹- رادیوگرافی از روی یک دست طبیعی
(نمودار)

۱- فضای آزاد مزوکارپی دستو ۲- زند زیرین ۳- زند زیرین ۴- زورقی ۵- استخوان بزرگ ۶- دوزنقه ای ۷- شبه
دوزنقه ای ۸- هلالی ۹- هرمی ۱۰- حمصی ۱۱- استخوان قلابی ۱۲- متاکارپی ها ۱۳- بندهای اول انگشتان.

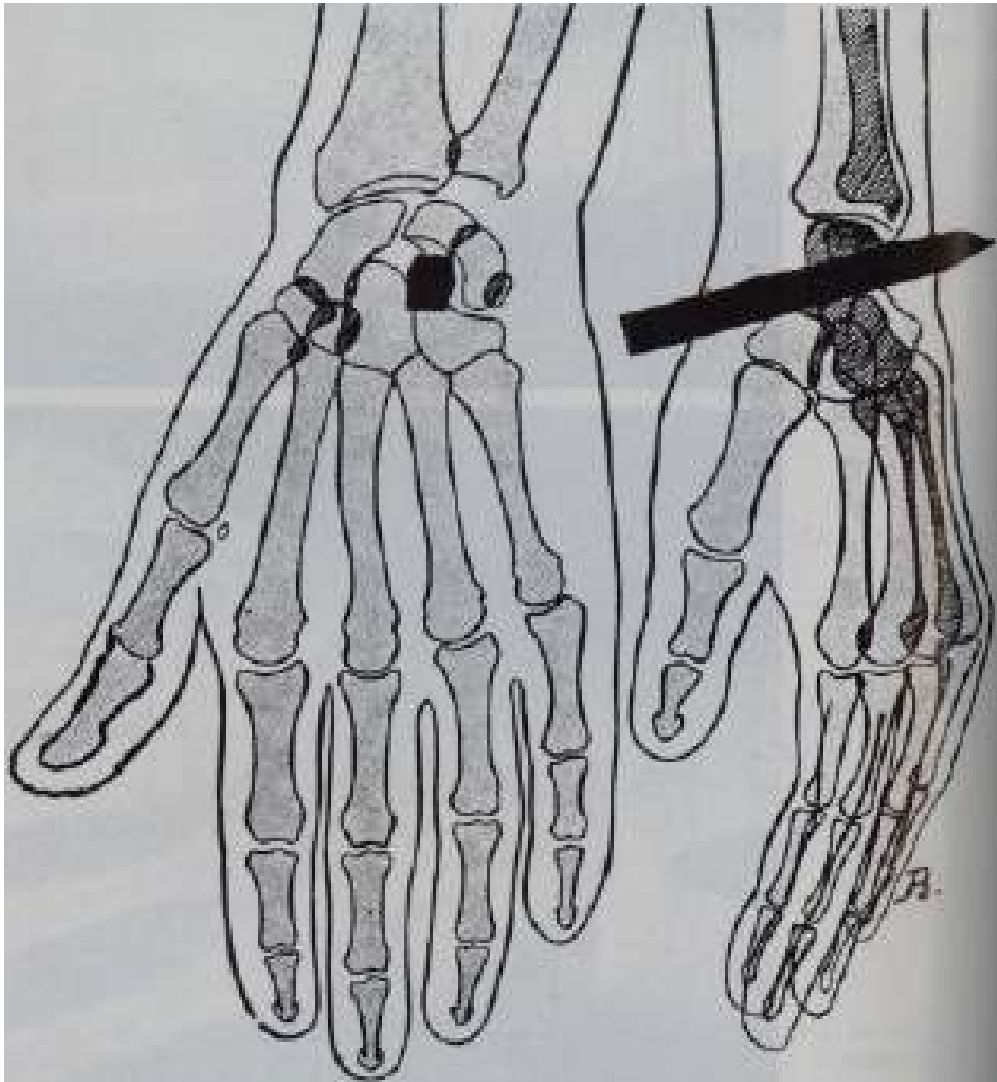


تصویر ۱۰- روی دست بر طبق رادیوگرافی (تصویر ۴) که دو برجستگی عضلانی،
پی انگشت چهارم و فضای آزاد را نشان می دهد.

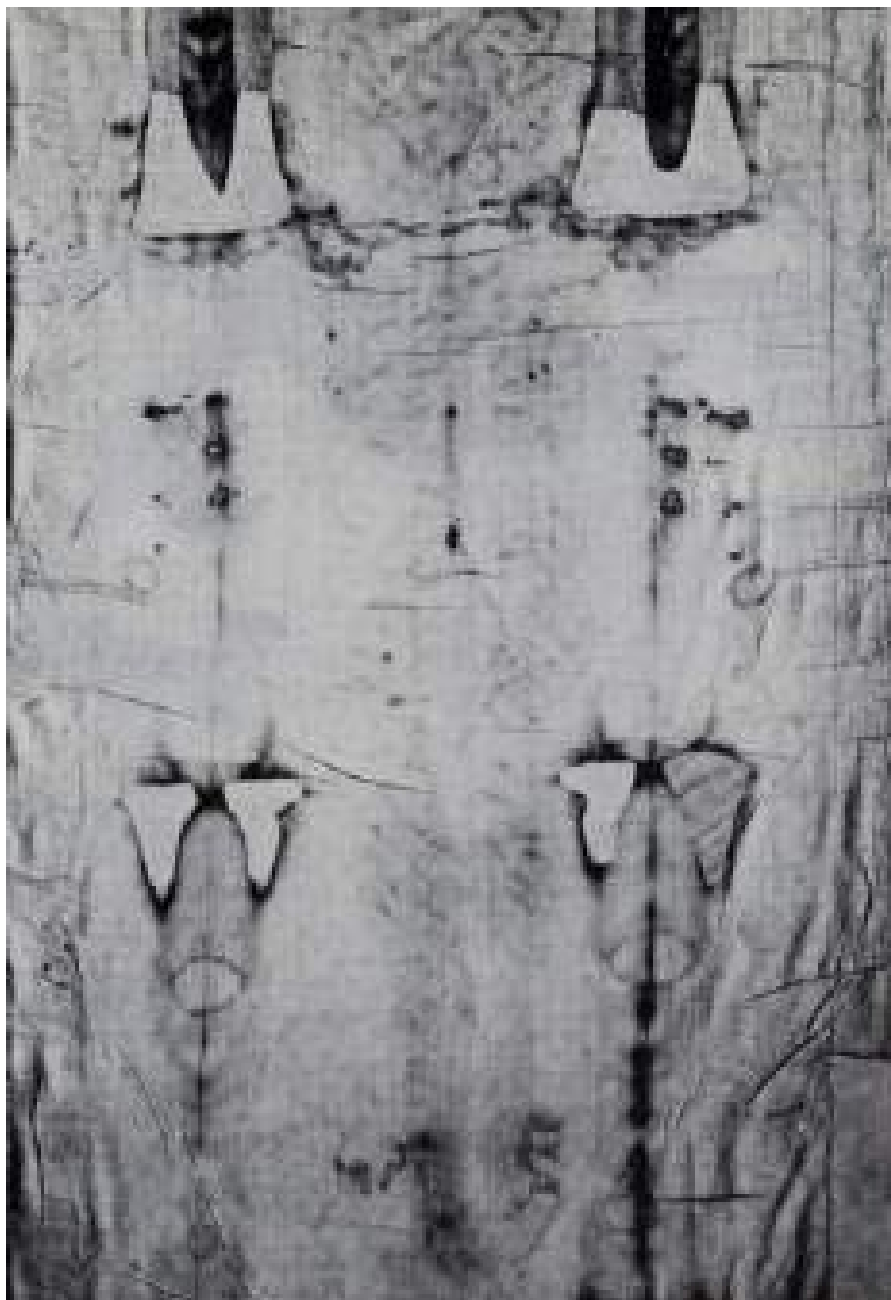
- ۱- فضای آزاد ۲- پی پیشین انگشت چهارم ۳- بازتاب چین خمندگی مچ ۴- زند زیرین ۵- زند زیرین ۶- زورقی ۷-
- استخوان بزرگ ۸- هلالی ۹- بند عضله پیشین زند زیرین ۱۰- هرمی ۱۱- برجستگی سینه دست (عضلات شست)
- ۱۲- برجستگی عضلات انگشت کوچک ۱۳- متاکارپی ها ۱۴- اولین بند انگشتان .



تصویر ۱۱- رادیوگرافی یک دست مصلوب
بالا: رادیوگرافی از پهلو
پایین: رادیوگرافی از بالا

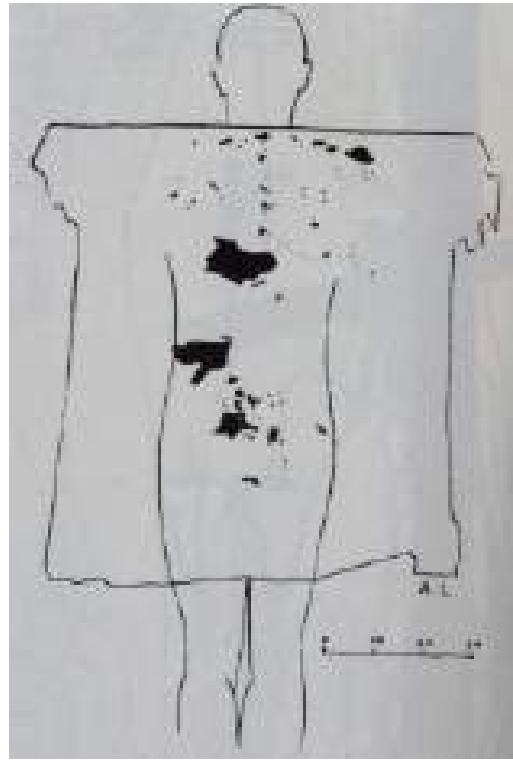


تصویر ۱۲- نمودار یک دست مصلوب

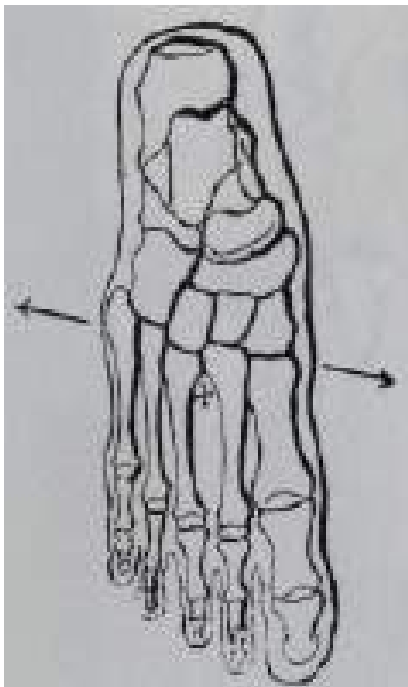


تصویر ۱۳- تصویر پسین کفن (قسمت پایین بدن)

اعضای پایین (از بالا به پایین؛ رانها، عضلات ساق پا) روی رانها و عضلات ساق پا، اثرات تازیانه. روی پاها و کنار پاها، لخته های خون. روی پای راست (سمت چپ) که تنها پایی است که کامل دیده می شود، سوراخ تصلیب.



لکه های خون روی ردای آرژانتوی
آنتوان لوگران، براساس عکاسی ژرار کوردونیه

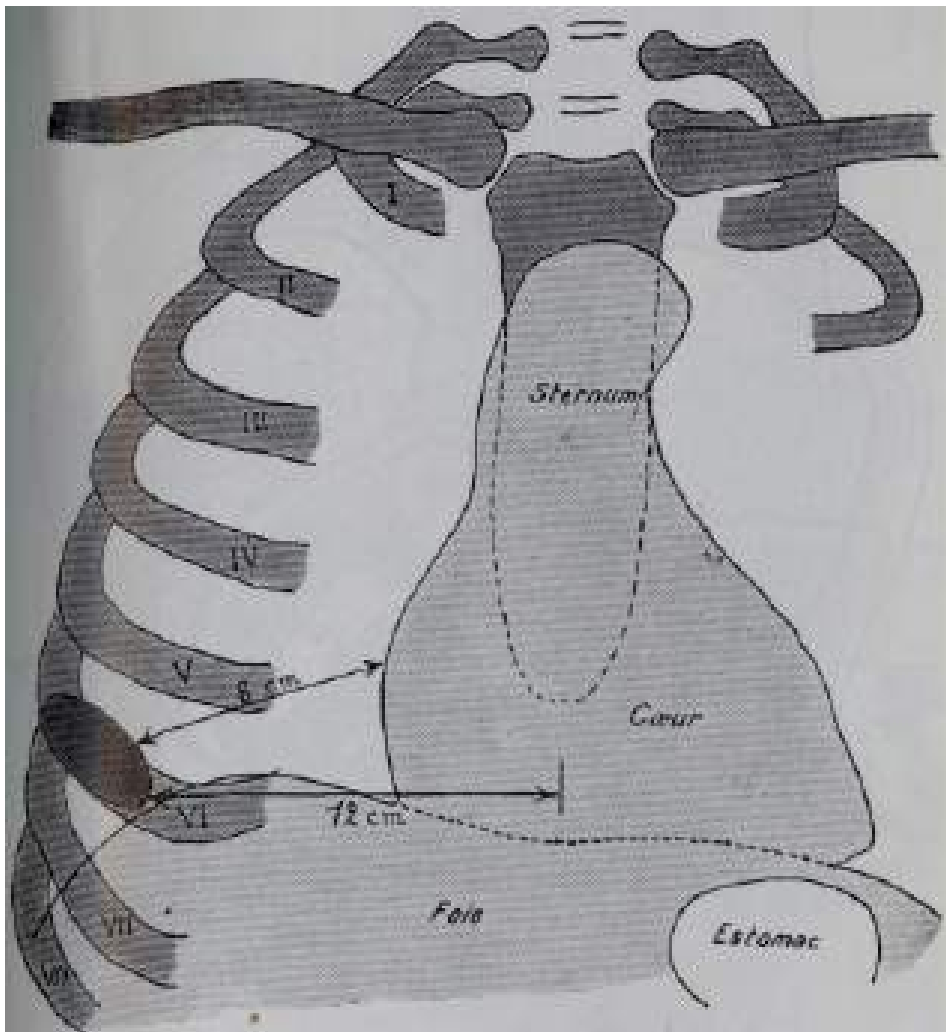


تصویر ۱۴ - میخکوبی پاها

سمت چپ: اسکلت پای راست، از بالا

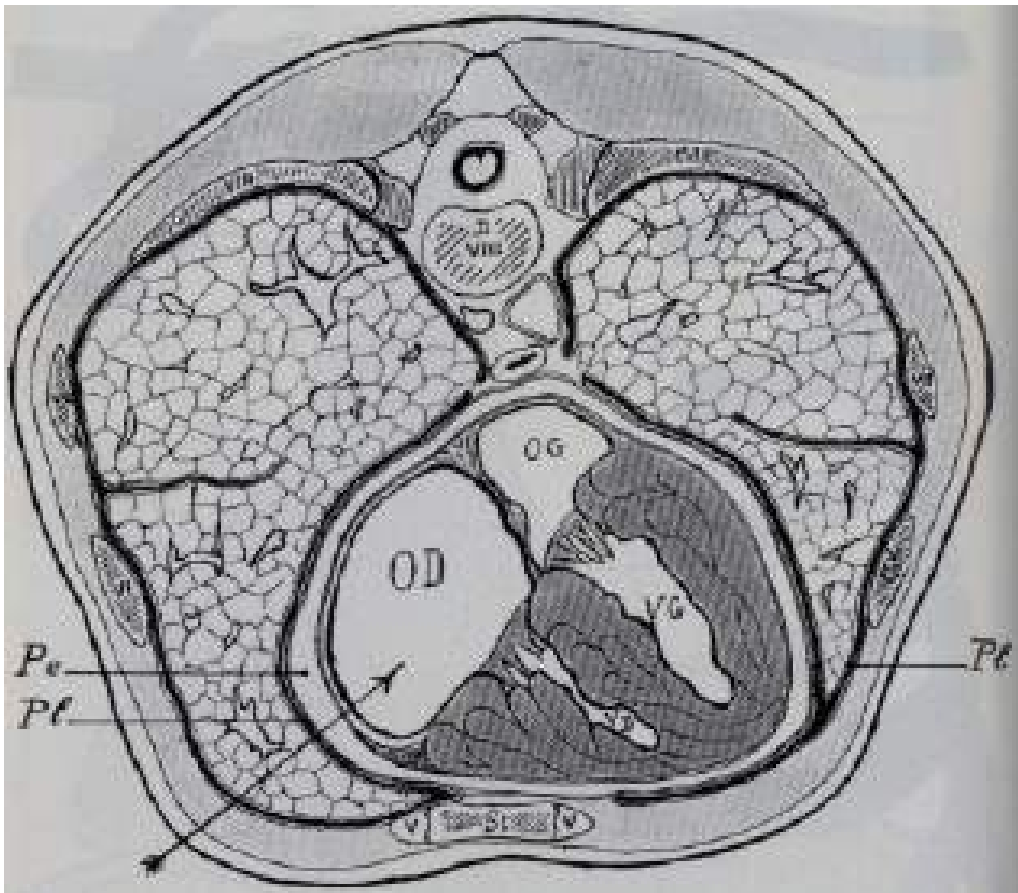
فلش مسیر میان خط لیسفران (اتصال تارس - متا تارس) را نشان می دهد.

+ نشان نقطه ورود میخ تصلیب است (قسمت پسین دومین فضای بین متاتارسی)



تصویر ۱۵- نمودار رادیوگرافی قفسه سینه

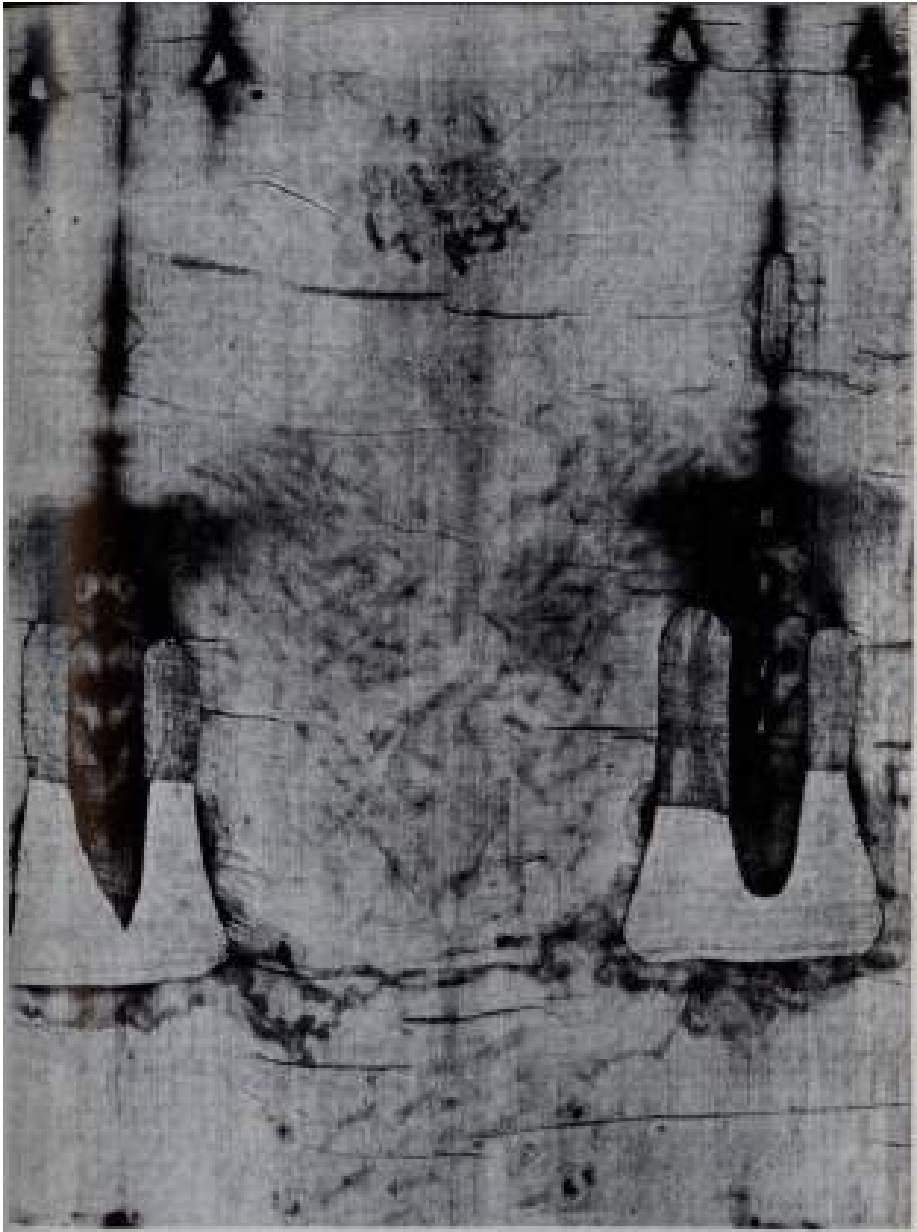
برای روشنی بیشتر، قسمت پیشین اسکلت و سایه ای امعاء و احشاء را حذف کرده ام. روی ششمین دنده و پنجمین فضا: صفحه فلزی نشان دهنده زخم پهلو، خط فلش دار ۸ سانتیمتری مسیر نیزه را مشخص می کند.



تصویر ۱۶- برش افقی قفسهٔ سینه که از سطح زخم پهلو می‌گذرد و مسیر نیزه را نشان می‌دهد (پنجمین فضای میان دنده ای در جلو و هشتمین مهرهٔ پشت در عقب).

PI = غشاء جنب ریه (که دور ریه را می‌گیرد) - pe - غشاء بیرونی قلب (که یا تجمع مایع غشایی احتضاری کشیده شده). V, VI, VII, VIII = پنجمین، ششمین، هفتمین، هشتمین دنده D VIII هشتمین مهرهٔ پشت. st - عظم قس. OD+OG+VG - بطن‌های راست و چپ - بطن‌های راست و چپ.

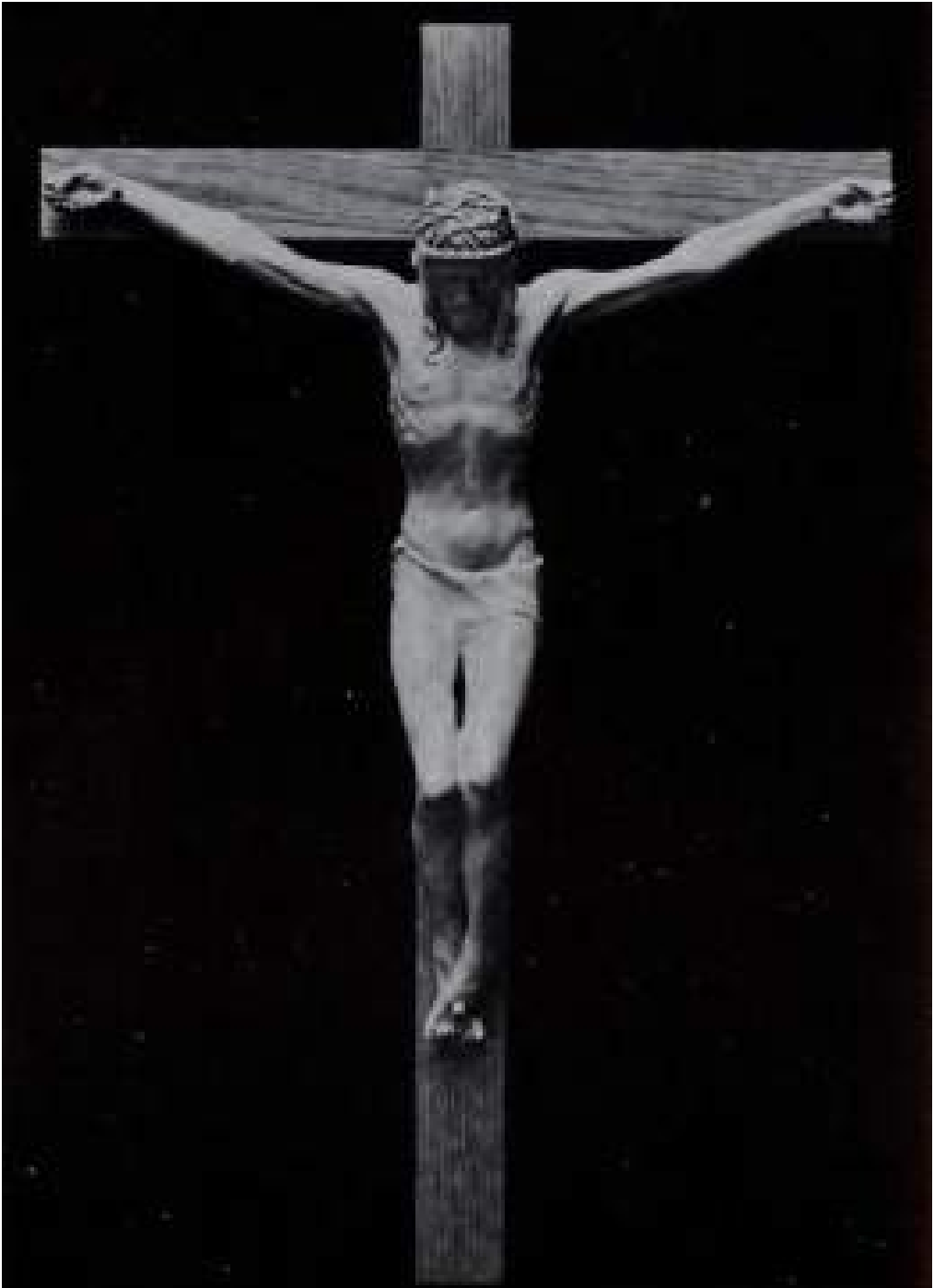
فلش مسیر نیزه را مشخص می‌کند.



تصویر ۱۷- تصویر پسین کفن (پس گردن و پشت)

(تصویر عکاسی)

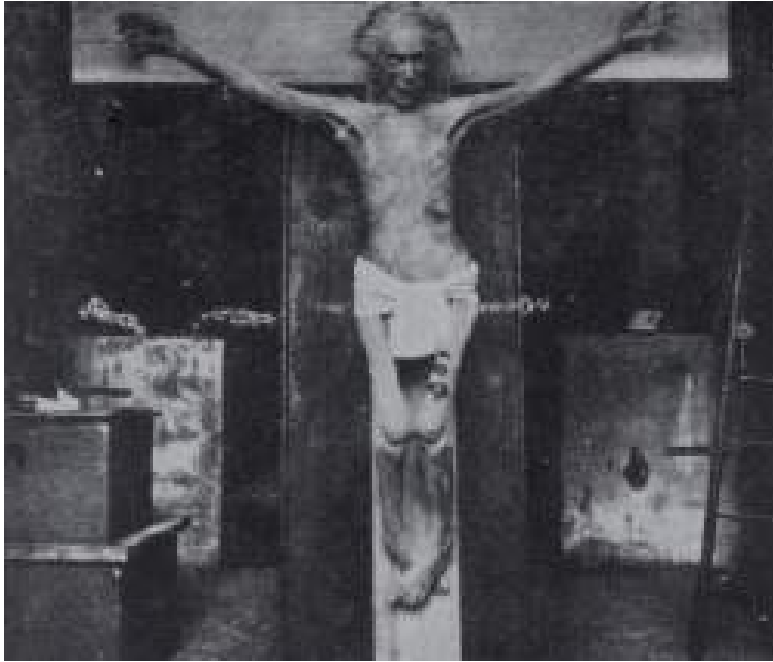
علاوه بر اثرات تاج خار روی پس گردن و زخمهای تازیانه روی پشت، در سطح کمر، ریزش خون به عرض که از بزرگ سیاهرگ زیرین، پس از پایین آوردن از صلیب و قرار دادن در وضعیت افقی جسد، را مورد توجه قرار دهید.



تصویر ۱۸- صلیب ویلاندر (روبه‌رو)



تصویر ۱۹- صلیب ویلاندر (از پهلوی)



تصویر ۲۰ - جسد مصلوب شده - بررسی زاویه‌ها

تصویر ثانوی کلیشه



تصویر عکاسی

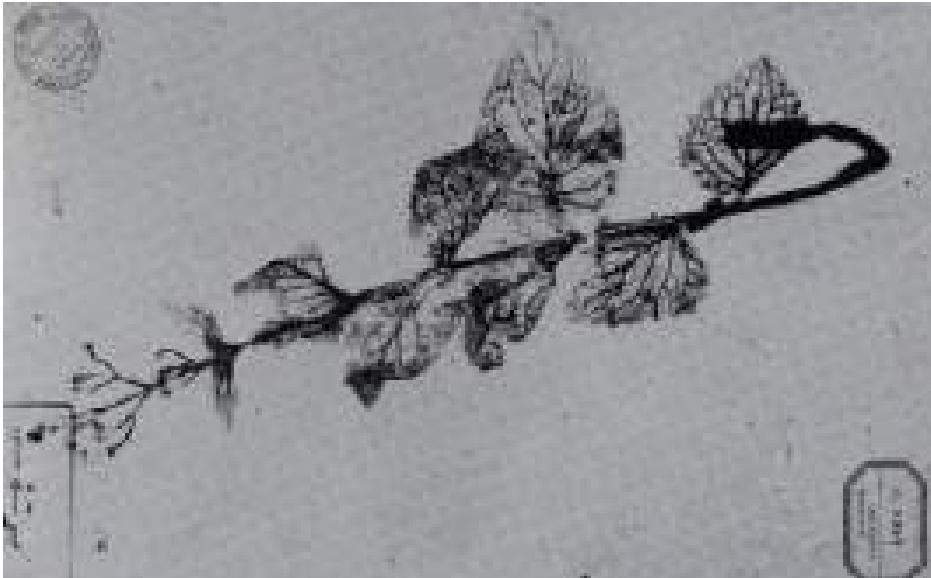


تصویر ۲۱- ولکرینگر- اثرات گیاه لای دفتر کلکسیون
اسکروفولاریا پستریس (اثر بالایی)

تصویر عکاسی



تصویر ثانوی کلیشه



تصویر ۲۲- ولکرینگر- اثرات گیاه لای دفتر کلکسیون
اسکروفولاریا پستریس (اثر پایین)

ضمیمه

از آنجا که کتاب دکتر پیر باربت نسبتاً قدیمی است، بجاست خلاصه‌ای از تحقیقات جدید در خصوص کفن را که در شهر تورین ایتالیا در سال ۲۰۰۰ انجام و منتشر شده در اینجا بیاوریم.

کفن مقدس

بنابر سنت، کفن مقدس، همان کفنی است که شاگردان عیسی جسد او را بعد از آنکه از صلیب پایین آوردند در آن پیچیدند؛ در واقع، اناجیل می‌گویند که یوسف رامه‌ای، جسد عیسی را پس از آنکه در کفنی پیچید، در قبر نهاد.

این سنت، گواه خود را در وقایع تاریخی که دربرگیرنده «کفن» هستند می‌یابد، هرچند که مستند است و مدارک موجود مربوط به بعد از نیمه اول قرن چهاردهم می‌باشند.

در قرون پس از آن، نتایج به دست آمده از بررسی‌های تاریخی، علمی، شمایل‌شناسی و باستان‌شناسی، به ما اجازه می‌دهند تا آنچه که بر کفن مسیح گذشته را دوباره سازی کنیم.

همواره، برای کفن مقدس، اشتیاق فراوان بوده است، اما موج نوین تحقیقات که دربرگیرنده مطالعات و تکریم کفن برجای مانده از مسیح بود، تنها بعد از نخستین عکسبرداری آغاز گردید.

در سال ۱۸۹۸، در مدتی که کفن به معرض نمایش عمومی گذاشته شد، «سکوندو و پیا» وکیل، اجازه یافت که از آن عکسبرداری نماید. او در یادداشت خود نوشت که نزدیک بود پلاک عکاسی از دستش بیفتد. وقتی که بر روی آن تصویر شبحی به صورت پوزتیو (یعنی آنچنان که اشیاء را در محیط حقیقی می‌بینیم) از یک مرد با چهره‌ای روشن (واضح)، فرهمند، و مهیج ظاهر شد. آثاری که بر روی کفن بجای مانده، همچون تصاویر نگاتیو هستند. به استثناء لکه‌هایی که گمان می‌رود آثار جراحات و خون باشند.

عکسهایی که ژوزف انری در سال ۱۹۳۱ گرفت، مسأله عجیب و منحصر به فرد اثرات کفن مقدس را تأیید کرد و باعث گردید تا تحقیقات علمی آن زمان که در ابعاد کوچکی فعالیت می‌کردند، جهش یابند و رفته رفته پیشرفت نموده تمام شاخه‌های علمی را دربرگیرد. کفن مقدس (با ابعاد ۴/۳۶ متر طول و ۱/۱۰ متر عرض) پارچه‌ای است از جنس کتان بافته شده بر روی یک دستگاه بدوی) و با روشی نامنظم.

جزئیات آثار روی کفن

۱- آثار کربونیزاسیون پارچه:

این کفن سوراخهایی با چند سوختگی دارد، و همچنین دو خط پُررنگ طولی و موازی را می توان دید که با ۲۹ وصله مثلث شکل ناهماهنگ، از پارچه که تفاوت آن با کفن را، با چشم نیز می توان تشخیص داد، قطع شده است. این وصله ها، سوراخهایی را که قطره ای نقره مذاب در جریان یک آتش سوزی به وجود آورده بود می پوشانند. کفن که دفعات بسیاری تا شده بود، درون جعبه اشیاء متبرکه ای از نقره در صندوقخانه نمازخانه مقدس کلیسای شامبری نگهداری می شد. در روز سوم دسامبر سال ۱۵۳۲ آتش سوزی رخ داد که خسارات فوق را به بار آورد.

۲- هاله هایی از آب:

این هاله ها، در اثر پاشیده شدن آب مورد استفاده برای خاموش کردن آتش به وجود آمده اند.

۳- تصویر سایه - روشن از يك شبح انسانی:

در وسط کفن، دو اثر (جلو و پشت) یک انسان مشاهده می شود؛ هرچند که در این تصویر، هیچ یک از پهلوها واقع نیستند، اما جلوه ای از آنها قابل رؤیت است، زیرا اختلاف رنگها در رنگ آمیزی سایه - روشن، متفاوت است؛ در قسمتهای برجسته شبح، (پیشانی، بینی، چانه، سینه و ... رنگها شدیدتر هستند؛ برای سایر اعضا، شدت رنگها کاهش می یابد، تا آنجا که کاملاً محو شوند. اندازه قد شخصی که این اثر از او به وجود آمد حدود ۱ متر و ۸۰ سانتی متر بوده است.

۴- کپی ها:

روی نقاط بخصوصی (پیشانی، پشت گردن، انگشتان، پاها، پهلو راست)، شکل و رنگ لکه ها، با دیگر اعضا متفاوت است: متمایل به رنگ قرمز و بدون جلا هستند و کناره آنها واضح است، بدون تفاوت رنگ از بیرون. گویی اثر یک جوهر بر روی کفن برگردان شده است (همچون برگردان اثر یک لکه جوهر بر روی پارچه).

از حدود یک قرن مطالعات و تحقیقات علمی بر روی کفن مقدس، این نتایج قطعی به دست آمده است:

۱- این کفن یک نقاشی نیست، چرا که از راه های علمی کنترل شده است و از این پس مورد قبول تمامی دنیا می باشد.

۲- نمی تواند کار دست بشر باشد، زیرا دارای تصاویر نگاتیو است، و این تصاویر، از قرنهای پیش از کشف عکس (در سالهای اولیه قرن نوزدهم) بوده اند.

۳- اثر شبح انسانی، تصویری نگاتیو است. درحالی که لکه های خون و جراحات به صورت پوزتیو هستند، به طوری که می توان به طور واقعی آنها را دید؛ و خون در اثر تماس مستقیم پارچه را رنگین کرده است.

۴- این شبح، توسط یک جسد که در معرض فساد و پوسیدگی قرار نگرفته، به جای مانده است. در نتیجه، جسد در مدت زمان لازم برای شکل گیری تصویر درون کفن باقی مانده است، زیرا تصویر دستخوش تأثیرات مخرب در آغاز تجزیه جسد نشده است؛ جدا شدن جسد از کفن بدون ایجاد تغییرشکل در لخته های خون انجام گردیده؛ واقعه ای که غیرقابل توضیح است.

۵- جراحی دستها، در کف دستها نیست (آنچنان که برطبق سنت در شمایلها نمایش داده می شوند) بلکه در میچ دست است: بنابه متخصصین آناتومی، میچ دست تنها جایی است که می توان برای آویزان کردن جسد در آن میخ فرو کرد، زیرا بافتهای کف دست، نمی توانند وزن بدن را تحمل کنند.

۶- دستها فقط چهار انگشت دارند؛ نقاش شمایل، هرگز جسارت نمی کرد دستهای مسیح مصلوب را این چنین نشان بدهد، و مطمئناً هم نمی دانست که اگر میچ دست سوراخ شود، انگشت شست ناگهان خم می شود.

۷- خون (به همراه سرم) در اثر فوران از جراحی وارده بعد از مرگ، از پهلو خارج شده است، همان طور که در انجیل یوحنا (۱۹: ۳۳-۳۴) می خوانیم که عیسی واقعاً مرده بود وقتی که به او نیزه زده شد.

۸- تحلیل گران، خصوصاً با استناد به تحقیقات پروفیسور بایما بولن، ثابت می کنند که بر روی کفن اثر خون انسان با گروه خونی AB وجود دارد.

۹- تحقیقات جدیدتر با استفاده از امکانات الکترونیکی ثابت می کنند که عکسهای کفن، عنصر بُعد سوم را در اختیار دارند (برخلاف نقاشیهای عکسهای معمولی). به همین خاطر است که گروه پروفیسور تابورلی توانستند تصاویر شگفت انگیزی از آن به دست آورند، و اجازه دادند جزئیات نادیدنی را بازسازی نمایند.

۱۰- اثر یک سکه بر روی چشم راست، که پروفیسور فیلاس متوجه آن گردید و بعدها توسط دیگر محققین (تامبورلی، وانکر، مورونی) تأیید گردید، زمان کفن را ثابت می کند؟ از روی این اثر، می توان فهمید که سکه در قرن اول مسیحی ضرب شده است. جای سکه ای دیگر، بعدها توسط پروفیسور بالوسینو، بر روی آبروی راست تصویر کشف گردید.



تصویر سه بُعدی از چهره رنج کشیده مرد درون کفن. (ژ. تامبورلی و ن. بالوسینو)



همان تصویر، اما زخمها با تکنیک های کامپیوتری حذف گردیده اند. (ژ. تامبورلی و ن. بالوسینو)